

# مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

بهمه نیروهای ملی و دموکراتیک

دوستان و هموطنان عزیز چنانکه میدانید در اردیبهشت سال آینده بنیاست بیستین سال تصویب اعلامیه حقوق بشر کنفرانس بین المللی حقوق بشر مرکب از کشورهای عضو و سایر کشورهایی که فقط در مؤسسات تخصصی سازمان ملل عضویت دارند در تهران تشکیل میگردد. تشکیل این کنفرانس در تهران پس از تشکیل کنفرانس های بین المللی دیگری مانند کنفرانس بین المجالس، کنفره جهانی مبارزه با یسواد و غیره حلقه ای از اقدامات شاه و دولت دست نشانده او برای آراستن رژیم ضد دموکراتیک و مستور داشتن ماهیتشان از افکار عمومی جهانیان است. در همین زمینه اقدامات دیگری نیز از طرف رژیم بعمل آمده است: بدستور شاه کمیته ای برای «بررسی حقوق بشر» در تهران تشکیل شده است. شاه اشرف پهلوی را «براست عالی» این کمیته منصوب کرده است! اشرف پهلوی از جانب خود منوچهر کنجی را بست مدیر کل آن برگماشته است. «کمیته ایرانی

حقوق بشر» روز ۱۹ آذر نخستین جلسه خود را تشکیل داده و اساسنامه خود را تصویب کرده است. دعوی شاه و رژیم آنست که گویا در ایران موازین اعلامیه حقوق بشر که کشور ما از امضاء کنندگان آنست اجرا میشود. ولی واقعات انکار ناپذیر ثابت میکند که این دعوی کذب محض است. در ایران اصول قانون اساسی نقض شده و بجای یک حکومت مشروطه با شاه غیر مسئول، رژیم استبدادی سگوراست. در ایران حکومت پلیسی برپا میکند و «ساواک» با نقض قانون اساسی و قوانین دیگر خود سرانه امنیت افراد را سلب و حقوق بشری آنانرا پایمال مینماید. افراد بجرم داشتن عقایدی مخالف عقاید رسمی مورد تعقیب خشن و شکنجه و آزار قرار میگیرند و برایشان پرونده سازی میکنند. در ایران اصول عادی محاکماتی مراعات نمیشود و جراثیم سیاسی با نقض اصل ۷۹ قانون اساسی به دادگاههای اختصاصی و دنباله در صفحه ۵

درد بخاطره تابناک شهیدان حزب و جنبش رهایی بخش ایران! ایمان، جانبازی و وفاداری را از شهیدان بیاموزیم و پرچم آنانرا سرفراز نگاه داریم!

## در باره جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری

در بودایست موافقت نموده بود، رسماً از کلیه سازمانهایی که در سال ۱۹۶۰ در کنفرانس جهانی مسکو شرکت نموده بودند دعوت نمود تا هیئتهای نمایندگی خود را برای شرکت در جلسه مشورتی تبادل نظر بودایست معرفی نمایند:

یافت تاکنون بیش از ۷۱ حزب کمونیستی و کارگری و از جمله حزب توده ایران، موافقت خود را با تشکیل جلسه مقدماتی ای بمنظور مشورت و تبادل نظر در باره چگونگی تدارک و تشکیل کنفرانس جهانی اعلام داشته اند.

در تعقیب اطلاعیه ای که در ماه نوامبر ۱۹۶۷ از طرف ۱۸ حزب کمونیستی و کارگری در باره دعوت جلسه مشورتی احزاب برادر انتشار

جلسه مزبور که قرار است روز ۲۶ دنباله در صفحه ۵

از اینرو حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، که با پیشنهاد تشکیل جلسه مزبور



خسرو روزبه فهردان ملی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



دکتر تقی ایرانی رهبر زحمتکشان ایران

## سرنوشت يك شعار

پس از دو سه سالی که طی آن آبهای فراوانی از زیر یل گذشته، مفید و آموزنده است که سرنوشت این شعار را مورد بررسی قرار دهیم.

### شرایط انقلاب

انقلابگران از اینجا شروع کردند که «بدون هیچگونه تردیدی میتوان گفت که شرایط عینی انقلاب در کشور ما رسیده است... در عوض عامل ذهنی مبارزه در سطح ایفای نقش خویش نیست.» (۲) ولی مسئله عامل ذهنی را هم بدین ترتیب حل کردند که اولاً «در روستا در جریان مبارزه مسلحانه دنباله در صفحه ۲

بیش از سه سال از فعالیت انشعابگران و پیش از دو سال از انشعاب در حزب توده ایران میگذرد. انشعابگران در اعلامیه ها و نشریات خود مسائل گوناگونی را در توجیه انشعاب مطرح کرده اند. ولی آنها با اعتراف به اینکه فعالیت انشعابگران خود را با شعار «تلیح توده ها» (۱) آغاز کرده اند و سپس با تبدیل شعار «انقلاب قهر آمیز» و «همه چیز کز خدمت مبارزه مسلحانه» به شعار اصلی خود و همچنین با حمله به «ایورتونیس» و «روزبونیسم» حزب بویزه در مسئله «راه انقلاب»، در واقع تاکید کردند که موجودیت سازمانی و سیاسی آنها وابسته به همین شعار است. به همین جهت اینک

## درگذشت تختی

بلکه روش سیاسی او و حمایتش از جنبش ملی ایران و دکتر مصدق و صفات شخصی انسانی او را یکی از محبوبترین ورزشکاران ایران بدل کرده بود. تختی بسبب سرسختی در همین راه مغضوب شاه، دربار و دولت بود و چنانکه خود نوشته است دستگاه دولتی، او را به «یهودی سرگردان» بدل ساخته بود. دنباله در صفحه ۵

غلامرضا تختی قهرمان ورزشی ایران که «جهان پهلوان» نام گرفته بود در تاریخ شنبه ۱۶ دیماه ۱۳۴۶ در سن سی و هفت سالگی در تهران درگذشت. تختی با بدست آوردن چهار مدال طلا و ۶ مدال نقره در مسابقات جهانی و المیک به یکی از درخشانترین چهره های ورزش ایران بدل شده بود. نه فقط کامیابهای ورزشی تختی

## اعلامیه پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

(در باره حوادث اخیر یونان)

رژیم فاشیستی - نظامی یونان و حامیان امریکایی آن برای دادن صورت ظاهر قانونی باین رژیم و پیشبرد کار سازش میان سرهنگان و شاه و تسکین افکار عمومی مردم یونان و ملل جهان که از اعمال آنان سخت برآشفتند و آنانرا محکوم میسازند و درعین حال برای آرامش خاطر برخی از دولتهای عضو ناتو به دو اقدام نظر فرب دست زده اند: اقدام اول: انتشار طرح قانون اساسی که اساسنامه دیکتاتوری است و هدف آن جنبه قانونی دادن به اختیارات ابتدائی ترین آزادیها و حقوق مردم است. اقدام دوم: اعلام باصطلاح عفو عمومی که فقط شامل چند صد تن از هزاران زندانی

رژیم میشود. مضافاً بر اینکه آزاد شدگان از این پس به هر اقدام سیاسی دست بزنند با خطر دستگیری مجدد و اعزام به بازداشتگاهها روبرو هستند. این مانورهای ناشایسته دیپلماتی امریکا و سرهنگان خادم آن نمیتواند مردم یونان و افکار عمومی جهان را بفریبد زیرا حکمرانان نظامی، رژیم خشنی را که در آن قانون محاکمات نظامی و کنترل ارتش و تمام دستگاههای دولتی و سانسور جزا بد و کنترل سازمانهای اجتماعی بقوت خود باقیست تشدید میکنند و حقوق و آزادیهای اساسی افراد و از جمله آزادی اجتماعات و حق انتخاب

## سرنوشت يك شعار

هسته های حزبی و سپس با بسط مبارزه از این هسته ها سازمانهای حزبی ایجاد میشود. از این سازمانهاست که باید حزب طبقه کارگر بیرون آید. (۳) ثانیاً برای شروع کار هم که «انقلابیون و مارکسیست-لنینیستهای واقعی» وجود دارند و «سازمان انقلابی» خود را هم که تشکیل داده اند. آنها تاکید کردند که «شرایط ایران اکنون مساعد برای کار انقلابی است، البته درانتظار فراهم آمدن همه شرایط مساعد نمیتوان و نباید نشست. آغاز مبارزه مسلحانه بدون شک شرایط مساعد تازه ای فراهم خواهد آورد» (۴) و بویژه آنکه «راه قهر آمیز مبارزه راهی طولانی و دشوار است» (۵) بدینسان تنها کاری که باقی میماند «انتقال کادرها با ایران» و «ایجاد ده آزاد و پایگاه انقلابی» بود. (۶)

## اولین جرقه مبارزه مسلحانه در ایران

زد و خوردهای مسلحانه سنتی در منطقه عشایری جنوب از جانب انشعابگران بعنوان اولین جرقه مبارزه مسلحانه در ایران (۷) اعلام شد. آنها «صحت پیش بینی های خود را برخ کشیدند و به تبلیغات وسیعی در این زمینه دست زدند. در تحلیل وقایع جنوب نوشتند «این جنگ جنگی است عادلانه و حق، جنگی است علیه بیدادگریهای رژیم، علیه جنایتها و خیانتهای هیئت حاکمه، جنگی است بخاطر برچیدن بساط رژیم که در طول حیات تنگن خود...» (۸) و افزودند که «سران نهضت جنوب میکوشند مبارزه خود را بر اساس قواعد جنگهای پارتیزانی سازمان دهند... بدین ترتیب نهضت جنوب از لحاظ ماهیت و شکل مبارزه با جنگهای عشایری تفاوت دارد و به همین جهت این کانون مبارزه مسلحانه میتواند بچنان آثباتی تبدیل گردد که خرمن زندگی شاه و دستگاهها که را بسوزاند» (۹) آنها همه انقلابیون و همه مردم و ارتشیان شرافتمند را دعوت بکام که «مبارزان جنوب» بویژه از راه پیوستن به نهضت جنوب و باعمل مسلحانه مستقل دعوت کردند. (۱۰) و بالاخره با انتشار نامه «عطا و ایرج کشکولی» و نامود کردید که آنها هم در ایجاد و رهبری «نهضت جنوب نخستین کانون مبارزه مسلحانه» (۱۱) سهم دارند. شایان ذکر است که بین انشعابیان و برخی دیگر از گروههای سیاسی بر سر نسبت دادن «نهضت جنوب» بخود مسابقه ای در ظاهر و مبارزه ای در باطن در گرفت.

## عقب گرد سریع

وقتی نخستین آثار شکست در صفوف شورشیان جنوب آشکار شد انشعابگران با يك عقب گرد سریع اعلام کردند که «این مبارزه نه دارای برنامه سیاسی نه دارای تشکیلات سیاسی و نه دارای رهبری سیاسی بوده است و نه حتی همه افراد شرکت کننده در آن دارای آگاهی سیاسی بوده اند» (۱۲) و افزودند که «طبیعی است در چنین شرایطی

مگر نه اینستکه سرانجام مجبور به اعتراف شدند که این شورشاهیچگونه خصلت سیاسی نداشته و نمیتوانسته است داشته باشد؟ مگر میتوان بطور مصنوعی بچنین جنبشی «محتوی سیاسی» داد؟ مگر میتوان فقط با دادن شعار «انقلاب قهر آمیز» مبارزه مسلحانه و جنگ پارتیزانی بوجود آورد؟

حزب ما معتقد بود و هست که برای هر مپن پرستو و آزادیخواه ایرانی آرزویی بزرگتر از این نیست که رژیم ضد ملی وضد دمکراتیک ایران هرچه زودتر و بهر وسیله سرنگون شود و جای خود را بیک رژیم ملی و دمکراتیک بدهد. ولی حزب ما در همانحال که معتقد است برای تحقق این آرزو باتمام نیرو و با استفاده از تمام امکانات باید مبارزه کرد، آرزوی خود را بجای واقعیت نیکندارد. حزب ما مارکسیست-لنینیست است و بهین دلیل با شیوه علمی به تحلیل واقعیت عینی میردازد و نتیجه گیری میکند. بر همین اساس حزب ما به این نتیجه رسیده است که شرایط عینی و ذهنی انقلاب اکنون در ایران فراهم نیست. بهین جهت حزب ما و همه نیروهای انقلابی و مترقی وظیفه دارند به تدارک و تأمین عامل ذهنی (که در اختیار آنهاست) یعنی افشاء ماهیت رژیم، تجهیز و تشکل مردم به مبارزه در تمام زمینه ها و با استفاده از تمام اشکال ممکن بر ضد رژیم، اجراء سازمانهای حزبی در ایران و تأمین وحدت عمل نیروهای اویزیسیون دمکراتیک و انقلابی بپردازند تا هنگام فراهم آمدن شرایط عینی انقلاب بتوانند از آن برای استقرار حکومت ملی و دمکراتیک در ایران استفاده کنند. اینکه از چه راه اینکار انجام خواهد گرفت فقط در همان زمان معلوم و معین خواهد شد. حزب ما معتقد است که باید از همه راهها مسالمت آمیز و غیرمسالمت آمیز-قانونی و غیرقانونی- مخفی و علنی استفاده کرد.

اشتباه اساسی انشعابگران این بوده و هست که از موضع مارکسیسم-لنینیسم دور شده اند. در نتیجه تمایل خود را بجای واقعیت گذارده اند، از تحلیل مشخص اوضاع ایران سرباز کرده اند و خواسته اند شعاری را که ممکن است در نقاط دیگری صحیح باشد در قالب وضع کنونی ایران بریزند، از وقوع حوادث گوناگون در ایران-از جمله شورش جنوب- نتیجه گیری های نادرست کرده اند و اینک آنها مانده اند و شعاری که محتوی واقعی و عینی ندارد.

## از انشعابگران چه باقی مانده است

اگر از انشعابگران شعار «انقلاب قهر آمیز» که موجودیت سازمانی و سیاسی آنها بسته به آن بوده و هست-گرفته شود (و واقعیت سر سخت-چه آنها بدان اعتراف کنند و چه نکنند-غیر واقعی بودن شعاررا در شرایط مشخص کنونی نشان داده است) چه باقی میماند؟ يك مشت دشنام و اتهام به حزب توده ایران و اتحاد شوروی. فعالیت اصلی آنها در چه زمینه است؟ در مبارزه

با حزب توده ایران و اتحاد شوروی. آیا افرادی که میخواهند در ایران انقلاب کنند فقط همین وظیفه برایشان باقی مانده است که بدشنام گوئی و افترا زنی بپردازند و به تشمت فکری و تفرقه سازمانی در بین نیروهای اویزیسیون ضد رژیم دامن بزنند؟ اینکارها را که امیرالیسم و رژیم مدتهاست بر ضد حزب ما انجام میدهند؟

## زبان و خط

زبانی که انشعابگران به حزب ما و نهضت توده ای و جنبش ملی و ضد امپریالیستی ایران وارد کرده اند فقط این نیست که بر پیکر حزب توده ایران لطمه زده، بر تشمت فکری و تفرقه سازمانی-وقتی که پیش از هر زمان دیگری اتحاد نیروها لازم است-افزوده و به تبلیغات ضد توده ای و ضد شوروی دامن زده اند. آنها با شعار «انقلاب قهر آمیز» در گروهی از جوانان و دانشجویان محیط خود امید ایجاد کردند، و حالا که این امید واهی از آب در آمده است دوران یأس، سر خوردگی و حتی تسلیم آغاز شده است. این زبانی است که اگر اثرات آن از زبان نخستین بیشتر نباشد کمتر نیست چون برای آینده مبارزه و سرنوشت نهضت اهمیت حیاتی دارد. فراموش نکنیم که رژیم میکوشد مردم ایران و بویژه جوانان و روشنفکران بفرماند که مبارزه بیفایده است و بدین ترتیب آنها را براه سازش با بیطرفی وادارد. این خطری است که تا روشن شدن باز هم بیشتر واقع بینانه بودن شعارها و روشهای انقلابی مایانه بیشتر میشود.

## وظیفه چیست؟

اینک بار دیگر وظیفه سنگینی بردوش حزب ماست. باید نشان داد که واقع بینانه بودن يك شعار نباید و نمیتواند توجیهی برای یأس، سر خوردگی، کناره گیری، سازش و تسلیم باشد. باید این حقیقت را بهمگان فهماند که آنچه مهم است مبارزه است نه اشکال آن، و مبارزه طولانی، پرنج و دشوار است. و بیکبری در چنین مبارزه ای است که جوهر يك انقلابی واقعی را آشکار میسازد و نیروی مبارزه را تضمین میکند. سخن لنین بزرگ را از یاد نبریم که: میگفت «قهرمانی در کار سازمانی طولانی مصرا نه در مقیاس سراسر کشور براتب دشوارتر و در عوض براتب عالیتر از قهرمانی قیامهاست» (۱۴)

م. انوشه

(۱) روزنامه «توده» شماره پنجم - سال اول - آذر ۱۳۴۵: (۲) مصوبات دومین کنفرانس سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور؛ (۳) همانجا؛ (۴) همانجا؛ (۵) همانجا؛ (۶) روزنامه «توده» شماره فوق العاده تیرماه ۱۳۴۵؛ (۷) روزنامه «توده» شماره اول سال اول - فروردین ۱۳۴۵؛ (۸) همانجا؛ (۹) همانجا؛ (۱۰) روزنامه «توده» شماره هشتم - سال دوم - فروردین ۱۳۴۶؛ (۱۱) روزنامه «توده» شماره اول - سال اول فروردین ۱۳۴۵؛ (۱۲) روزنامه «توده» شماره فوق العاده تیرماه ۱۳۴۵؛ (۱۳) همانجا؛ (۱۴) لنین - آثار منتخب - جلد دوم قسمت دوم - صفحه ۱۴

سه گروه اصلی کشورهای ملی

متوان بشکل مشروط گفت که در حال حاضر بطور نسبی حدود و ثغور متفح سه گروه اصلی کشورهای نواستقلال مشخص شده است :

## ۱ - گروه اول

بر راس کشورهای این گروه بورژوازی ملی به تنهایی یا در اتحاد با نیمه فئودالها و گاه ملاکان سرمایه دار قرار گرفته است. در این کشورها که بطور عمده در آسیای جنوبی و جنوب شرقی و خاور میانه قرار دارند و برخی از کشورهای مغرب (بخش عربی شمال آفریقا) را نیز باید جزء آنها دانست طبقات جامعه معاصر کم و بیش شکل گرفته اند و این طبقات با جامعه نیمه فئودالی در ده که تحت سیطره بهره کشی سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری است همزیستی دارند. روستای ماقبل سرمایه داری یا در حال گذار به سرمایه داری هم از جهت کمی و هم از جهت اقتصادی هنوز در این کشورها مسلط است ولی شهر سرمایه داری سمت رشد را رهبری و تعیین میکند و روستا را بدنبال خود میکشد. بورژوازی ملی در این کشورها بطور کلی موضع گیری ضد استعماری دارد، ولی در عین حال طبقه عمده است و در آخرین تحلیل انتقال این کشورها را به غیر سرمایه داری مانع میشود.

## ۲ - گروه دوم

راه تکاملی کشورهای این گروه دوم که استقلال دولتی را بدست آورده اند (هر قدر هم که گاه این استقلال جنبه صوری داشته باشد) هنوز بطور نهائی روشن نشده است. باین گروه بزرگ مقدم بر همه تعداد معتدله کشورهای آفریقائی که ساخت طبقاتی نا استواری دارند متعلقند. مبارزه برای انتخاب راه تکامل در این کشورها هنوز جریان دارد.

## ۳ - گروه سوم

سومین گروه کشورهای هائیکه در جاده رشد غیر سرمایه داری، در سمت سوسیالیسم گام گذاشته اند. این کشورها بعنوان پيشاهنگ نیروهای نه فئودالهای ملی بلکه رهائی اجتماعی خلقهای آسیا و آفریقا و نزدیکترین متحد سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبش کارگری جهانی عمل میکنند. در این کشورها دموکراتهای ملی انقلابی بر سر کار هستند. این دموکراتهای ملی انقلابی با استفاده از پشتیبانی سیستم جهانی سوسیالیستی مبارزه بیگیر ضد امپریالیستی را ادامه میدهند و به اصلاحات مهم سیاسی و اجتماعی دست میزنند و برای این منظور تدابیر قاطعی برای تغییر مناسبات مالکیت در عرصه تقریباً همه اشکال اقتصادی ولی بطور عمده در عرصه اشکال فئودالی و سرمایه داری اتخاذ مینمایند. کشورهایی از قبیل جمهوری متحده عربی، الجزیره، سوریه، برمه، مالی، کینه، کنکوی برازاویل از این قبیل اند.

# برخی مختصات جنبش های رهائی بخش ملی در مرحله کنونی

ذیلا ترجمه مقاله جالبی را که تحت عنوان فوق بquam بروفسور اولیائوسکی در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۶۸ در روزنامه پروادا چاپ شده است با اندکی تلخیص بنظر خوانندگان ارجمند مردم، میرسانیم. عنوان داخل مقاله از هیئت تحریریه ماهنامه است. مردم.

مؤسسات اقتصادی، علمی، فنی، فرهنگی، اداری و بالا بردن سطح رفاه زحمتکشان و اجراء اصلاحات اقتصادی بسود خلق است. بهمین جهت است که مبارزه در راه استقلال اقتصادی تنها يك مبارزه اقتصادی نیست، بلکه يك مبارزه عمیق سیاسی و در آخرین تحلیل يك نبرد طبقاتی است.

بدیهی است که در جامعه طبقاتی، طبقات و قشر های مختلفه نسبت به مسئله استقلال اقتصادی برخورد های گوناگونی دارند و شوه های مختلفی را برای نیل به استقلال اقتصادی بکار می بندند. بورژوازی ملی سیاست دولتی را در اکثر کشورهای رهبا شده هم آهنگ با منافع طبقاتی خود اجراء میکند و میکوشد با استقلال اقتصادی در چارچوب حفظ نظام بورژوائی و تکامل سرمایه داری در عین حفظ و تحکیم استقلال دولتی و حاکمیت خویش یعنی ساطه طبقاتی خود دست یابد. بورژوازی ملی مطلی قادر است طی مدت معین مبارزه با امپریالیسم را برای نیل به استقلال اقتصادی ادامه دهد و ظاهر آ

نقش او از اینجهت در بسیاری از کشورها هنوز خاتمه نیافته است.

ولیکن تجربه یازدهه الی بیست سال اخیر تدریجاً تمایل آشکار بورژوازی ملی را برای حل تناقضات اقتصادی خود با سرمایه خارجی غالباً نه از طریق راندن او از مواضع اشغال شده اش بلکه از طریق سازش با وی (بدون ریشه کن کردن میانی حاکمیت اقتصادی اش) نشان میدهد. بسیاری از کشورهای بزرگ آسیای جنوبی و جنوب شرقی نمونه ای از این اسلوب را نشان میدهند.

در کشورهای که بورژوازی مطلی بشابه طبقه شکل گرفته و مالکین بورژوا شده بر سر کارند سیاست اقتصادی چنان است که رشد و تکامل سرمایه داری دولتی و در مرحله اول سرمایه داری خصوصی همه جانبه تشدید میشود. طبقات حاکمه بورژوازی برای نیل باین منظور چه وسائلی را در دست دارند؟ قبل از همه حاکمیت سیاسی که بالقوه بزرگترین قدرت اقتصادی است و نیز اهرم های مالیاتی (که برای مقاصد تراکم از آن استفاده میشود) در دست آنهاست. نقش تنظیم کننده و مدیره دولت در کشورهای رشد یابنده در زمینه تکامل سرمایه نیست به دوران مستعمراتی افزایش معنای یافته است. ولی این نقش از کشورهای رشد یافته سرمایه داری بسی کمتر است. در کشورهای رشد یافته سرمایه داری از ۲۵ الی ۳۵ تا ۴۰ درصد درآمد ملی انباشت میشود و حال آنکه در اکثر کشورهای کمرشد میزان

انباشت از ۱۵ الی ۲۰ درصد متجاوز نیست. در این شرایط تلاش دستگاه دولتی این کشورها برای توسل به سرمایه ها و قرضه های خارجی مفهوم است و در اواسط سالهای ۶۰ بهیزان ۳۰ الی ۳۵ درصد سرمایه گذاری در رشته های اساسی اقتصادی کشور به این سرمایه ها و قرضه ها مربوط بوده است. سهم منابع خارجی نسبت به مجموعه سرمایه گذاریها سال سال افزایش میابد و در کشورهای جنوب شرق و خاور دور به ۲۰ درصد، در هندوستان به ۳۰ الی ۳۵ درصد و در کشورهای آفریقائی به ۳۷ الی ۴۰ درصد بالغ است. خطر این وضع عبارتست از وابستگی روز افزون مالی کشورهای کمرشد به سرمایه مالی بین المللی. حساب شده است برای اینکه از طریق راه سرمایه داری این کشورها به سطح کنونی سرمایه داری غرب از جهت درآمد سرانه اهالی بر سند، حد اقل ۸۰ الی ۱۰۰ سال لازم است و این خود مردم این کشورها را به محرومیتهای تازه ای محکوم میکند. سرمایه داری مطلی خصوصی در کشورهای آسیائی و آفریقائی که از لحاظ اقتصادی کمرشد هستند بدشواری میتواند خود را گسترش دهد. بازار داخلی بسیار تنگ است، شرایط تراکم سخت محدود است وابستگی اقتصادی و مالی به انحصار های خارجی زیاد است.

## مسئله دموکراتیزاسیون حیات سیاسی و اقتصادی

در شرائطی که مسائل عمده اقتصادی واجتماعی رشد تا آخر حل نشده است، وظیفه دموکراتیزاسیون حیات اجتماعی کشورهای رهبا شده دمدم مبرم تر و حاد تر میگردد. باید انرژی در بند اجتماعی و سیاسی بخش عمده اهالی را در این کشورها به سود شکفتگی کامل رهائی ملی آزاد ساخت. رژیم مستعمراتی بر افتاده است. در این کشورها نیرو های جدیدی بر سر کارند. در میان این افراد تعداد مبهن پرستان شریف و خادمان خلق کم نیستند. ولی در عمده ترین حلقات دستگاه دولتی، با کارمندان دستگاههای مستعمراتی قدیم، یا کارمندان که با روح سنن و مقررات کهن بار آمده اند نشسته اند. قشر فوقانی دستگاه دولتی و حلقات میانه این دستگاه بطور عمده از افرادی که از میان قشرهای ثروتمند یا نزدیکان آنها برخاسته اند ملو است. بدینترتیب دموکراتیزاسیون واقعی دستگاه اجتماعی و سیاسی و حیات اجتماعی در اکثریت کشورهای رهبا شده انجام نگرفته است. در ارتش که معمولاً در اداره امور مدنی و اقتصادی شرکت دارد و در سازمانهای امنیت و پلیس و مؤسسات اقتصادی و اداری عمده ای از کشورها فساد و رشوه خواری تا حد يك خطر اجتماعی گسترش یافته است. در ۱۵ سال اخیر در يك سلسله از کشورهای رهبا شده تحول رژیم سیاسی انجام گرفته است. این تحولات بتجوی از انحصار

### برخی مختصات جنبش های رهایی بخش ملی در مرحله کنونی

نتیجه آنست که توده های مردم و زحمتکشان که در مبارزه با امپریالیسم مهمترین قربانیها را داده اند از بهره کشی و فقر رها نشده و سهولت محسوسه در زندگی خویش احساس نمیکنند.

نیروهای مترقی این کشورها درک کرده اند که برای ارضاء توده های مردم و تأمین اصلاحاتی که برای خلق لازم است و گرایش انقلابی مبارزه ملی را برعصه اجتماعی نیز منتقل میکنند باید رهبری سیاسی نزدیک بخلق و مبتنی بر ائتلاف و سیستم اجتماعی بوجود آید. در درون چنین ائتلافی نیروهای میهن پرستی که علیه امپریالیسم مبارزه میکنند و آن قشر های اجتماعی که ضرورت طرد شیوه سرمایه داری و انتقال براه رشد کیفی متمایز غیر سرمایه داری را درک مینمایند میتوانست دست در دست هم عمل کنند.

#### بورژوازی ملی و پرولتاریا

در دوران مبارزه علیه رژیمهای مستعمراتی بورژوازی ملی غالباً بر رأس جنبش ملی قرار داشت. در مرحله کنونی مبارزه رهایی بخش ملی، بورژوازی ملی هم اکنون در بسیاری از کشورها ناتوانی خود را برای ادامه اجراء این نقش نشان میدهد. البته این بدین معنی نیست که بورژوازی ملی در همه جا شرکت در مبارزه ضد امپریالیستی را رها کرده و اهمیت خود را بمثابة یک نیروی ضد امپریالیستی از دست داده است. برخی از قشرهای بورژوازی و در مرحله اول قشرهای متوسط غیر انحصاری که از سیستم سرمایه خارجی زیان آشکار می بینند هنوز در این مبارزه شرکت میجویند و خواهند جست.

گرایش تاریخی در جنبش رهایی بخش ملی عبارتست از افزایش تدریجی و روزافزون نقش طبقه کارگر. ولی پرولتاریای اکثریت کشور های رها شده هنوز نقش رهبری را بدست نیاورده است. این نقش زمانی بوی تعلق خواهد گرفت که با شرکت فعال در نبرد روزمره علیه امپریالیسم و استعمار و بسود خلق، دهقانان، خورده بورژوازی شهرها و توده های غیر پرولتری خلق را بگردن خویش متحد سازد. در یکسلسله از کشورها این

#### هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو یک ایران ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتوبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

**P. B. 4176**  
**Stockholm 4**  
**Sweden**

است) مشی تکامل صنعتی دنبال میگردد. سیاست ترفیخواهانه خارجی تعقیب میشود. با اتحاد شوروی و کشورهای دیگر سوسیالیستی روابط دوستانه برقرار میگردد.

#### کمونیست و دموکراتهای ملی

علیرغم اختلافاتی که در این کشورها بین کمونیستها و دموکراتهای ملی وجود دارد از لحاظ تاریخی آنها در یک سمت گام بر میدارند. جائیکه بین آنها عدم توافق و اختلاف وجود دارد بیشتر باز مانده گذشته است تا قانونمندی ضرور آئینده. در مقابل آنها امپریالیسم این دشمن مشترک و دیرینه قرار دارد. سرمایه داری بمثابة دورنمای تکامل آئینده دشمن مشترک مهمتری است. زیرا خطر واقعی بلعیده شدن این کشورها را بوسیله همان امپریالیسم (یعنی اقتصاد جهانی سرمایه داری) و بسر کار آمدن بورژوازی یا ائتلاف بورژوازی و ملاکان و بورژوازی بورژوازی (که کشور را با کمک استعماریون نو بگرداب سرمایه داری خواهد کشاند) بوجود میآورد.

روشن است که احدی منکر این مسئله نیست که مواضع کمونیستها و دموکراتهای ملی علیرغم اشتراك نظر در بسیاری از مسائل کاملاً با یکدیگر منطبق نیست. تفاوت قبل از همه در درک اشکال و اسالیب تحول اجتماعی و طرق تکامل آتی انقلاب و جلب توده های وسیع مردم به اداره کشور و تعیین نقش قشرها و طبقات مختلفه اجتماعی و مقیم بر همه تعیین نقش طبقه کارگر و سوسیالیسم علمی است. سکاتر نسیم خواهد بود اگر بر این پایه کمونیست ها و دموکراتهای ملی امکان وسیعترین و نزدیکترین ائتلاف و همکاری در مبارزه مشترک برای منافع اساسی خلق را، منتفی سازند. مبارزه و خودزندگی دموکراتهای انقلابی دیگر را به استناد پیش از پیش از توده ها و زحمتکشان و طبقه کارگر و درک اینکه تنها از طریق دفاع توده زحمتکش میتوان در میان مردم کسب حیثیت کرد و امیدارد. زندگی بطور قاطعی تمام کسانی را که صمیمانه خود را وقف خدمت به خلق کرده اند و امیدارد که به زحمتکشان و اصول سوسیالیسم علمی رو آورند. منافع مبارزه برای رهایی کشور مطالبند که کلیه نیروهای چپ متحد شوند و همکاری کنند. شکل واحدی هم برای سازمان و همکاری نیرو های چپ که برای تمام کشورها و برای تمام شرائط یکسان باشد وجود ندارد. اسالیب و اشکال سازمان دادن همکاری نیرو های چپ سوسیالیستی جنبش رهایی بخش ملی اکنون اتفاقاً بوسیله خود زندگی و در انطباق با شرائط کشور بوجود میآید. این نوع تجربیات دارای اهمیت تئوریک و عملی فراوانی است.

سیر انقلابات نجات بخش ملی به افراد جدا گانه احزاب و سازمانهای توده ای و سزایای طبقات تجربه میآموزد و پندار های مربوط به امکان اجراء اصلاحات عمیق اجتماعی

پروسه مثبت پیشرفت کرده است و ائتلاف نیرو های چپ با نقش فعال طبقه کارگر پدید شده است.

تجربه ده - یازده سال اخیر همچنین نشان داده است که در آن کشورها که پرولتاریا هنوز در کار تشکیل شدن است و بصورت نیروی طبقاتی متشکلی در نیامده است دموکراسی انقلابی که بادهقانان و روشنفکران خورده بورژوازی شهر پیوند نزدیک دارد میکوشد نقش رهبری را در پروسه تعمیق انقلاب رهایی بخش ملی بعهده گیرد. دموکراسی انقلابی بیاگر منافع توده های وسیع مردم است و علیه انحصار سیاسی هیئت حا که بورژوا یا بورژوا مالک عمل میکند. این یک پروسه ای است عمیقاً مثبت و نباید به نیروی ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری دموکراسی ملی انقلابی کم بها داد.

در برخی از کشورها که دموکراتهای انقلابی یا ملی سرکار آمده اند موازی با مقاومت عناصر محافظه کار خورده بورژوازی و مبارزه ارتجاع بتدریج جنبه ملی نوبنی که هدفش اجراء اصلاحات ضد سرمایه داری است پدید میآید. مسئله بر سر آنست که تکامل غیر سرمایه داری را تنها یک طبقه عملی نمیسازد. دموکراسی ملی مورد پشتیبانی بخش قابل توجه ای از دهقانان، خورده بورژوازی شهرها، روشنفکران میهن پرست و محافل میهن پرست ارتشی است. تمام این نیروها در یک حالت متغیری هستند و گاه نسبت بیکدیگر مناسبات انتقاد آمیزی دارند. و هواداران سرمایه داری و استعمار نوین در آنها تأثیرات عمیق میکنند و همیشه قادر هستند همه نیروها را علیه ارتجاع بسیج نمایند. اگر به برنامه اجتماعی و اقتصادی دموکراتهای انقلابی و ملی بدقت بنگریم میتوان مختصات زیرین را در این برنامه تشخیص داد:

در همه این کشورها بخش دولتی بسرعتی کما بیش در حال گسترش است و این گسترش موجب افزایش نیروهای مولده است و جانشین مؤسسات سرمایه داری خصوصی میشود یا آنها را محدود میکند. ملی کردن سرمایه خارجی در این کشورها انجام میگردد. مواضع سیاسی و اقتصادی عناصر بورژوازی و ملاکان محلی تضعیف میگردد. یک نظام سیاسی که خصلت رژیم یک حزبی دارد و دیکتاتوری انقلابی ضد امپریالیستی است مستقر گردیده است. اصلاحاتی در زمینه قانونگزاری کار عمیق تر از دیگر کشورهای رها شده، رفزمهای ارضی که به مالکیت خارجیان و ملاکان بر زمین لطمه وارد میسازد انجام میگیرد. (گرچه در برخی از کشورها اجراء رفورمهای بیاگیر ارضی مجاز نشده

بدون مبارزه طبقاتی را بر باد میدهد. بسیاری از دموکراتهای ملی شروع بپدک این نکته کرده اند که بهنگام انتخاب راه سوسیالیستی باید از گنجینه سوسیالیسم علمی و تجارب تاریخی آن استفاده کرد. سوسیالیسم علمی پرچم عظیم ترین جنبش اجتماعی در تاریخ بشریت است طبقه کارگر و زحمتکشان کشور های آسیا و افریقا در زیر این پرچم متحد میشوند و با دیگر نیرو های انقلابی کشور های خود و کشورهای سوسیالیستی و جنبش کارگری جهانی مشترکاً نیروئی شکست نا پذیر را بوجود میآورند.

#### قابل توجه علاقمندان

#### به نشریات توده

با بتقاضای خوانندگان و با آبراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:

- ۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.
  - ۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.
  - ۳) خوانندگان گرامی جهت نشریات که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتواند کمک کنند.
  - ۴) مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.
- | نام نشریه | ماهنامه مردم | مجله دنیا | مجله مسائل بین المللی | مانیفست | سرمایه (هر جلد) | سخنرانی لین در کنفره دوم | کمونیستهای خاور زمین | دولت و انقلاب | منتخبات آثار لین (هر جلد) | برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی | اصول فلسفه مارکسیسم | آخرین دفاع روزبه | یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی | گنومات | خان و دیگران | یادنامه شیدان | رژیم ترور و اختناق | خیانت او بپوشش | حق ملل در تعیین سرنوشت خویش |
|-----------|--------------|-----------|-----------------------|---------|-----------------|--------------------------|----------------------|---------------|---------------------------|--------------------------------|---------------------|------------------|-----------------------------|--------|--------------|---------------|--------------------|----------------|-----------------------------|
| بها       | ۱۰ ریال      | ۴۰        | ۲۰                    | ۴۰      | ۴۰              | ۲۰                       | ۴۰                   | ۲۰۰           | ۲۰                        | ۲۰                             | ۲۰                  | ۴۰               | ۴۰                          | ۱۰     | ۲۰           | ۱۰            | ۲۰                 | ۳۰             |                             |

Sweden  
Stockholm,  
Stockholms Sparbank  
شماره حساب بانکی  
C-1265-5



### دامنه همبستگی خود را با مردم قهرمان ویتنام گسترش دهیم

مردم صلح دوست و آزادی طلب ایران از تبه کاری امپریالیست‌ها و ویتنام برآشته‌اند آنها نمیخواهند که شهرها و دهکده های ویتنام بسوزد و کودکان و زنان و مردان قتل عام شوند و تا کنون با آنکه امکانات بسیار محدودی دارند از راههای گوناگون مردم ویتنام یاری کرده‌اند و خروج متجاوزین امریکایی را خواستار شده‌اند.

عده‌ای از هبوطان ما با ارسال نامه‌های اعتراض آمیز به سفارتخانه‌های امریکا در تهران و کشورهای دیگر ارسال نامه و کارت پستال به موسسات مختلف امریکایی در شهرهای مختلف ایران جمع آوری پول برای مردم ویتنام فرستادن دوا و وسایل پانسمان کوشیده‌اند تا در امر مقدس مردم ویتنام که از خانه و مزرعه از کارخانه و مدرسه خود دفاع میکنند ولو بیزان کوچکی شرکت ورزند. در یکی از این اعتراضهای جمعی نوشته شده است «شما با مداخلات نظامی خود در ویتنام حیثیت جهانی خود را بر باد داده‌اید و با ادامه کشاکش های بی ثمر مصائب بیشتری را بر ملت قهرمان ویتنام که از آزادی خود دفاع میکند وارد نموده‌اید. تمام مردم صلح دوست جهان طلب میکنند که شما نیروهای خود را از ویتنام خارج کنید و مردم ویتنام را در تعیین سرنوشت خویش آزاد بگذارید»

ما خروج فوری نیروهای شما را از ویتنام طلب میکنیم... عده‌ای از هبوطان ما که در خارج از کشور بسر میروند امکانات بیشتری برای ابراز همدردی نسبت به رزم آوران ویتنام دارند با ابتکارات مختلف مانند اهداء خون جمع آوری دوا، تشکیل جلسات همبستگی شرکت در تظاهرات خیابانی، کار داوطلبانه در روزهای تعطیل بنفع ویتنام کوشیده‌اند در حد خود کمک موثر تری به بیکار عادلانه مردم ویتنام میکنند.

این فعالیتها گرچه در وهله اول ناچیز بنظر میرسد ولی اگر منظمآ ادامه یابد و توسعه پیدا کند یاری خوبی بسرمد ویتنام خواهد رساند. بعلاوه این امر در حکم اجرای وظیفه وجدانی و اخلاقی هر فرد شرافتمند است که از تجاوز امپریالیسم به کشور قهرمان ویتنام متنفر است.

فرستادن نامه های فردی و جمعی بنام موسسات امریکایی در ایران و خارج توضیح خواستن از کارمندان امریکایی در موسسات مختلف، جمع آوری دوا و پول، نوشتن مقاله در مطبوعات، افشای جنایات امریکاییها در ویتنام در صفحات جراید، تمام اینها میتواند حس همدردی ما را با خلق ویتنام تقویت کند و تنفر نسبت به جنایات امریکاییها را به جنبشی مبدل سازد.

### اعلامیه پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

آست که هر گونه اختلاف نظر را در باره مسائل دیگر کنار بگذارند و به اتحاد نیروهای خود بپردازند و مبارزه خود را برای عقیم گذاشتن نقشه های رژیم و حامیان اجنبی آن و پایان دادن به شکنجه و اعمال فشار و آزادی تمام زندانیان سیاسی و برانداختن دیکتاتوری که به تیروی اسلحه خارجی در کشور ما برقرار شده هماهنگ سازند و تقویت نمایند و برای احیای دموکراسی بکوشند.

پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان ۲۵ دسامبر ۱۹۶۷

شدیدترین و خشن ترین پاسخ رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران روبرو میشود. سپس سخنگوی جوانان توده ای ایران از خواستهای جوانان ایران، از طرز مبارزه آنها و شهادت کارگران، دانشجویان و دیگر مردم ایران که در این شرایط دشوار بیکار میکنند و پرچم مبارزه را در اهتزاز نگه داشته اند صحبت کرد و یاری جوانان بلغارستان و دیگر جوانان جهان را نسبت به مبارزان جوان ایران طلب نمود. او درخاتمه گفت: «ما میدانیم که فقط با یک مبارزه بیکر و متشکل و با اتحاد همه نیروهای ملی و دموکرات و آزادی دوست میتوانیم در ایران یک جامعه دموکراتیک ایجاد کنیم که در آن جوانان ما بتوانند از تمام مزایای یک زندگی نوین استفاده کنند»

کردن و انتخاب شدن را بملاحظه یامال میسازند و هزاران تن از شرکت کنندگان جنبش مقاومت ملی و متارزان راه دموکراسی را در بازداشت گاهها و زندانهای کلاترینها نگاه میدارند و شکنجه و اعمال فشار در زندانهای سازمان امنیت با شدت سابق ادامه دارد.

وظیفه مردم بلا کشیده، ولی بزانو در نیامده ما و تمام سازمانهای سیاسی کشور که علیه ملیتارستها مبارزه میکنند و میخواهند بیکانگان با سرنوشت ملت ما بازی کنند

### رویدادهای جهان

نماینده گان بیش از ۶۰ کشور از جمله نماینده جوانان توده ای ایران شرکت داشت. او از طرف جوانان ترقیخواه ایران بکنگره تبریک گفت و از موفقیتهای مردم و جوانان بلغار که پیروزمندان سوسیالیسم را در کشور خود میسازند ابراز خرسندی نمود. نماینده جوانان توده در سخنرانی خود از وضع کشور ما، از زندگی جوانان و محرومیتهای آنها سخن گفت و افزود: «در دوران کنونی کشور با دیکتاتوری ظالمانه ای روبرو است، زندانیان ایران از مبارزان توده ای، دموکرات و ملی مملو شده است، آزادی بیان، قلم و اجتماعات وجود ندارد و کمترین واکنش جوانان برای گرفتن حقوق خود با

### درباره جلسه مشورتی

### احزاب کمونیستی و کارگری

فوریه ۱۹۶۸ تشکیل گردد، در باره هدف، خصلت و دستور کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری، درباره چگونگی تدارک و برگزاری کنفرانس مزبور، راجع بتاریخ و محل تشکیل آن و نیز در باره کلیه مسائل و پیشنهادهایی که از جانب احزاب شرکت کننده لازم تشخیص داده شود، به تبادل نظر و بحث خواهد پرداخت.

بی شک در باره تشکیل کنفرانس و چگونگی تدارک و برگزاری آن نظریات گوناگونی وجود دارد. ضرورت تشکیل جلسه مقدماتی نیز از همین تنوع در ارزیابی مسائل و نحوه برخورد به هدفها و خصلت کنفرانس جهانی ناشی میگردد.

بنظر ما خصلت جمعی و عمیقاً دموکراتیک جلسه مشورتی بودایست بخودی خود گام مهمی برای نزدیک شدن نظریات احزاب و ایجاد مواضع مشترک در باره تدارک و تشکیل کنفرانس جهانی است و مسلماً میتواند نقش بسیار ارزنده ای در رفع دشواریهای گوناگونی که طی چند سال اخیر مانع تشکیل کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری شده است افشاء نماید.

بهین جهت است که کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن نامه ای که در پاسخ دعوت کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان نگاشته است صریحاً به این نکته تکیه نموده و ابتکار دعوت نمایندگان کلیه احزاب را برای مشورت جمعی و دموکراتیک در باره چگونگی تشکیل و برگزاری کنفرانس جهانی مبنای موافقت و تأیید خویش قرار داده است.

جلسه مشورتی بودایست نخستین گام مهم جمعی در راه ایجاد آنجمن شرایطی است که بتواند تمریخی کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری را تأمین نماید و زمینه مناسب و صحیحی برای قدمهای مؤثر بعدی در جهت تأمین و تحکیم وحدت و همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری فراهم سازد.

حزب توده ایران بنا به مبانی عقیده ای خود و بمثابة یکی از اعضاء سابقه دار جنبش کمونیستی و کارگری جهانی تا آنجا که در قوه دارد در راه کامیابی جلسه مشورتی بودایست و مراحل بعدی تدارک کنفرانس جهانی صادقانه خواهد کوشید. زیرا چنانکه مکرراً خاطر نشان ساخته است تشکیل کنفرانس جهانی را بهترین و آزموده ترین طرق برای حصول توافق، ایجاد نظر مشترک و از بین بردن اختلافات در صفوف جنبش جهانی کمونیستی و کارگری میدانند و وحدت و یکپارچگی جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری را شرط اساسی

### در گذشت تختی

و از مراجعه امور ورزشی بار خودداری میکرد. چندی پیش تختی یکی از دوستان خود گفت: اخیراً از طرف دربار برای من پولی آوردند، ولی من آنرا رد کردم و گفتم: «مال دنیا را بدینا دار بخش، جیفه را پیش سگان انداختیم». «کیهان ورزشی در مقاله ای که بمناسبت مرگ تختی نوشت صریحاً از روحه ناراحت او سخن میگویی. «کیهان ورزشی» چنین مینویسد: «یک روزی با هم صحبت میکردیم. میگفت اگر مقصوم بگیرند. اگر مقصر نیستم پس این حرفها چیست؟» همه میدانستند که دربار تختی را دوست ندارد.

مجموع این اوضاع در افکار عمومی تأثیر فوق العاده مثبتی بسود شخصیت تختی داشت و بهین جهت در مراسم دفن وی که روز یکشنبه ۲۳ دی در تهران برگزار شد جمعیتی انبوه از زحمتکشان و دانشجویان از تهران و شهرستانهای شمال و جنوب ایران حضور یافتند. خبرنگار اطلاعات در باره این مراسم نوشت: «عظمت مراسم هفته شادروان تختی و اندوه مردم تا کنون هرگز سابقه و نظیر نداشته و تجلی که از قهرمان ملی گردید خارج از حد معمول و انتظار بود»

بنا بهخواست تختی او را در مقبره شادروان شمشری یکی از هواداران صدیق و سرسخت دکتر مصدق دفن کردند. باین تمایل، تختی ایستادگی خود را در موضع سیاسی مورد علاقه خویش ثابت کرد. مردم ایران از چنین کسان که مبهوت زرق و برق استبداد میشوند و براه خلق وفادار میمانند و میگویند تا هر یک در حیطه استعداد خویش اختیاری برای جامعه بیار آورند، سیاستگران در تهران شایعه خودکشی تختی جداً مورد تردید است و بر آنند که در اینجا مسئله قتل در میان است نه خودکشی. حتی «کیهان ورزشی» باین مطلب اشاره ای دارد. از جمله مینویسد: «صورت و چهره خنده روی او در حالیکه دستش را بعنوان قدردانی بلند کرده بود و یک کمی بالاتر از تابوت دیده میشد... مثل اینکه میخواست چیزی بگوید... شاید هم داشت قائلین خود را معرفی میکرد». حتی اگر این مطالب را شایعه بشمریم، باز علامت علاقه مردم به تختی و بی اعتمادی و کراهت آنها از دستگاه است.

ما بنوبه خود در گذشت جهان بهلوان را به خانواده و دوستان و هواداران غلامرضا تختی تسلیت میکنیم.

موفقیت در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و دفاع از مصالح حیاتی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و جنبشهای آزادی بخش خلق ها تلقی میکند.

پیروز باد ارتش رهایی بخش ویتنام! مردم ویتنام با قهرمانی شگفت انگیز خود در تاریخ سراسر بشریت تأثیر ژرف خواهند کرد.

### رویدادهای جهان

#### ترازنامه ده روز جنگ

ارتش رهایی بخش ویت نام جنوبی و نیروهای یارتیرانی در روزهای ۲۹ و ۳۰ ژانویه تعرض وسیع و همه جانبه نظامی و سیاسی خود را همراه مردم ویتنام جنوبی علیه متجاوزان امریکائی، دولت دست نشانده سایگون آغاز کرد و طی ده روز اولیه جنگ به وقتیهای مهمی دست یافت که دعوی گزاف آمیز جانسن و ژنرال وست مورلند را دایره به تسلط کامل بر شهرها و بر ۶۵ درصد اراضی ویتنام جنوبی، بکلی بر باد داده است. اگر بخواهیم از ترازنامه این ده روز عملیات بر اساس اظهارات و اعلامیه های ارتش نجات بخش ملی فهرست وار یاد کنیم باید نکات زیرین را متذکر شویم:

تعرض غلبه ۳۷ شهر بزرگ و شهرستانهای مانند سایگون، دانانگ، هونه، تانگان، یانگکو، دالات و صد ها شهر و قصبه کوچک آغاز گردید. در سایگون نقاط مختلف مانند سفارت امریکا، ایستگاه رادیو، هتل کاراول و غیره تصرف ارتش نجات بخش در آمد. باید گفت که امریکائیان، بنای جدید سفارت خود را در سایگون تصرف ناپذیر اعلام کرده بودند ولی همین دژ تصرف ناپذیر را افراد بسیار جوان ارتش نجات بخش مدت هفت ساعت در تصرف داشتند. در روزهای اخیر در سایگون ۹۰ تن افراد ارتش نجات بخش مشغول فعالیت شده اند. در این شهر بیش از ۲۰۰ هزار نفر از افراد متعلق به ارتش دولتی ویتنام جنوبی واحد های خود را ترک گفته اند و از نه گوی شهر هفت گوی تحت نظارت نیروی نجات بخش ملی قرار گرفته است. در بندر بزرگ هونئی پایتخت کهن ویتنام که تحت کنترل ارتش نجات بخش قرار گرفته اسلحه و مهمات فراوانی از امریکائیان بجزگ ان. م. اف. تاد.

۳۵ پایگاه نظامی و ۳۰ مرکز هوائی امریکا و از آنجمله ۱۴ پایگاه هوائی مورد تعرض قرار گرفت. ۱۵۰۰۰ هوایما روی زمین بملاوه ۴۰۰۰ کامیون و تانک و ارباب جنگی نابود گردید. ۵۰ کشتی جنگی و شش دستگاه فرستنده نابود گردید.

۱۰ میلیون تن بمب و گلوله و دهها هزار تن نفت و بترین و مقدار زیادی مهمات دیگر یا نابود و یا به غنیمت گرفته شده است. ۵۰ هزار تن از افراد دشمن و از

آنیان ۲۹ هزار نفر از متجاوزان امریکائی از عرصه پیکار رانده شدند. ۲۰ هزار میهن پرست زندانی آزاد گردیدند.

جاده های شماره ۱ و ۴ و ۱۴ که ویژه حمل و نقل مهمات و ارتش دشمن است سد گردید و صد ها یل در این جاده ها منهدم شد.

### هفتمین کنگره کنفدراسیون جهانی

محصلین و دانشجویان ایرانی

در هفته اول ژانویه هفتمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در فرانکفورت (آلمان غربی) تشکیل بود.

در اثر بروز اختلاف بین برخی از نمایندگان کنگره بر سر نامزد های هیئت دبیران کنفدراسیون، کنگره موفق به انجام مهمترین کار خود یعنی انتخاب ارگانهای رهبری کنفدراسیون نشد و بناچار این کار

بعهد یک کنگره فوق العاده، که قرار است تا چند ماه دیگر تشکیل شود، محول گردید. این واقعه موجب تأسف همه علاقمندان به جنبش دانشجویان ایرانی است.

ما بارها متذکر شده ایم که منشی نادرستی که از جانب گروههای معینی در کنفدراسیون در پیش گرفته شده، منجر به تشدید اختلاف و تفرقه بین دانشجویان و در نتیجه تضعیف و فلج شدن کنفدراسیون میگردد. ما بارها

هشدار داده ایم که در شرایطی که پیش از هر زمان دیگر به اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد رژیم نیاز هست، باید به نکات مشترک در مبارزه مشترک توجه کرد و برای تخفیف و از بین بردن اختلافات، از راه مباحثات و انتقادات خلاق و دوستانه،

کوشید. واقعه تأسف آور اخیر باید برای توده دانشجویان، همه علاقمندان به جنبش دانشجویان ایرانی و همه کسانی که برابر جنبش دانشجویان ایرانی و نهضت ملی و ضد امپریالیستی ملت ایران احساس مسئولیت میکنند، هشدار و درس آموزنده جدیدی

باشد. ما صادقانه امیدواریم که جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون بتوانند بر نارسائیه و اشتباهات خود غلبه کنند، اتحاد خود را در مبارزه برای دفاع از حقوق صنفی و سیاسی دانشجویان تعقیب و تحکیم نمایند و با ابتکار گام مهمی در راه تقویت و پیشرفت جنبش بردارند. ما بخواهیم خود مانند گذشته از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نخواهیم کرد.

در بسیاری شهرها با پشتیبانی مردم کشته های انقلابی ایجاد شده است. در شهر سایگون سازمانی بنام «اتحاد نیروهای صلح طلب» ایجاد گردیده است.

وضع ارتش متجاوز امریکا درخسان دچار اشکال و بن بست جدی است و پیش بینی میکنند که در آنجا این نیروی متجاوز تلفات و ضایعات سنگین را متحمل خواهد شد.

ارتش رهایی بخش ملی ویتنام در تعرض وسیع خود از تجهیزات و اسلحه مدرنی که کشور های سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی در اختیار آنها قرار داده اند استفاده میکنند. ما را اخیراً در یک مصاحبه مطبوعاتی تأیید کرد که اتحاد شوروی نقش عمده را در تجهیز ارتش نجات بخش ایفاء کرده است. این نکته است که سخنگوی جبهه نجات بخش ملی ویت نام نیز در مسکو ضمن مصاحبه

گور خونین شهیدان بتو آواز دهد: ما بامید وفای تو گذشتیم ز جان ای چراغی که کنون روشن و نورافشانی با همه هستی خود توده ای صادق باش!

تا ز تیره شب مهین ندمد مطلع فجر میر از یاد، فراموش مکن آنچه زجر تا بود گردش اوضاع وطن بر این دور: میر از یاد ارانی را در مجلس جور

مادر و همسر و فرزند عزادار بسی است زان رفیقان که نشستند بزندان بلا

دنباله از صفحه ۱

#### یام کمیته مرکزی حزب توده ایران

در بسته نظامی حاله میگردد. این داد گاهها تاکنون دهها و صد ها تن از میهن پرستان و آزادیخواهان را بمیدان اعدام فرستاده اند: در ایران در انتخابات بزرگترین تقلب ها و مغلطه ها انجام میگردد و تازه مجلسینی که که از این انتخابات ناشی میشوند عملاً در مقابل اراده شاه مسلوب الحقدند. در ایران

احزاب و مطبوعاتی که در ایواریسیون نسبت به سیاست رسمی باشند کوچکترین حق حیات ندارند و بجز سندیکا ها و سازمان های ساخت دولت هیچ سازمان صنفی و اجتماعی دیگری نمیتواند فعالیت کند. در ایران تظاهرات مردم به شلیک بیرحمانه بسته میشود و در خون غرق میگردد و بسیاری از موازین قوانین موجود درباره کار و حق اعتصاب عملاً بلااجراء میماند و در پس پرده دود دعاوی پرسر و صدای اصلاحی و «انقلابی»

منظره واقعی یعنی و محرومیت اکثریت مطلق اهالی آشکارا دیده میشود. برای هر یک از موارد فوق میتوان نمونه های مشخص عیدیه ای ذکر کرد. ولی برای مردم ایران که خود این بار سنگین را بر دوش میکشند ارائه نمونه لازم نیست.

مقصود رژیم از تشکیل کنفرانس حقوق بشر در این بیستین سال تصویب اعلامیه حقوق بشر بویژه پنهان کردن این منظره و مطبوعاتی تأیید نموده است.

کامیابهای شگرف ارتش نجات بخش ملی ویتنام جنوبی یکبار دیگر نیروی لایزال خلقهارا در نبرد با امپریالیسم نمایان ساخته است. اکثریت مطلق بشریت از این کامیابها شادمان است. در اردو گاه امپریالیسم و ارتجاع حزن، یأس و سراسیمگی حکمرواست.

در کنگره جوانان بلغارستان در دیماه سال جاری یازدهمین کنگره «اتحادیه کمونیستی جوانان بلغارستان» در صوفیه تشکیل شد تا مسائل خاص جوانان کشور را مورد مطالعه قرار دهد و بر نقش آنها در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ورزشی کشور بیافزاید. در این کنگره

دنباله در صفحه ۵

### میر از یاد، فراموش مکن!

«شعله ای را که فروزان شده خاموش مکن دوستان را میر از یاد، فراموش مکن!»

نام شمع که فرو مرد، ز خاطر مزدا! سخن روزبه کرد، ز خاطر مزدا!

منه از جاده پیکار دمی پای برون میر از یاد، فراموش مکن آنچه خون دشمن مردم پر بهره و مردم پی برک

میر از یاد سیامک را بر چوبه مرکز گبر وفا داری از این لشکر ماتم یاد آر

دم شادی، دم اندوه، بهر دم یاد آر.

زدن نقاب قانونیت و بشر دوستی و دمو کراسی بر چهره کریمه خورش است.

همه ما که با سیاست ارتجاعی رژیم مبارزه میکنیم اعم از توده ای، مصدقی، روحانیون آزادیخواه و گروهها و سازمان های دیگر ملی و دمو کراتیک وظیفه داریم که در این موقع این نیرنگ رژیم را افشاء کنیم. ما میتوانیم به انواع ابتکارات دست بزنیم: به کنفرانس حقوق بشر در تهران

نامه ها و تاگرافها ارسال داریم، به میتنگ و تظاهرات بپردازیم، به شعب انجمن حقوق بشر در هر شهر و هر کشور مراجعه کنیم و آنها را در باره وضع ایران روشن سازیم

به آن هیئت های نمایندگی که از کشور های محل اقامت ما در خارج از کشور به کنفرانس تهران میروند مراجعه کنیم و آنها را درباره وضع ایران روشن کنیم، مقالات و جزوات افشائی منتشر کنیم، در سمینار ها وضع ایران را در قیاس با اعلامیه حقوق بشر مطالعه میکنیم و نتایج مطالعات خود را در مطبوعات خارجی منتشر سازیم و غیره و غیره.

تلاش ما میتواند نیرنگ شاه و رژیم او را عقیم گذارد.

ولی این تلاش زمانی میتواند واقعاً مؤثر شود که متفقانه باشد. در این مبارزه اختلافات عقیده ای و سازمانی نباید مانع وحدت عمل گردد. اگر این مبارزه هر چه بگانه تر هر چه مترکز، هر چه پر شورتر، هر چه وسیعتر انجام گیرد، میتوان کاری کرد که درست عکس آن نتیجه ای که شاه و رژیم میخواهند از کنفرانس آئی تهران بگیرند، حاصل آید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بشما مراجعه میکند و میگوید:

دوستان هموطنان در این میدان مبارزه ضرورت و مبرم متحد آورد شویم. تجربه گذشته نشان داد، هر جا که متحداً عمل کردیم، بهتر حرف حساب خود را نمایان ساختیم. بر تنگ نظریهای گروهی و سازمانی و اختلافات جنبی و فرعی غلبه کنیم و نگذاریم که این تنگ نظریها یکبار دیگر بسود رژیم تمام شود. مبارزه در راه دمو کراسی وجه مشترک همه ماست و بیجاست که در هر نقطه که باشیم باین مبارزه مشترک دست بزنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران